

اختلاف قرائت یا تحریف قرآن

نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر التبیان

مرتضی کریمی نیا*

چکیده

مقاله حاضر به بررسی برخی روایات دال بر تحریف قرآن می‌پردازد که متون حدیثی و تفسیری کهن شیعه آنها را به ائمه علیهم‌السلام نسبت داده‌اند، اما شیخ طوسی نخستین بار در تفسیر خود، در عین رد صریح اندیشه تحریف قرآن، برخی از این روایات را به عنوان توضیحی تفسیری در فهم آیات قرآن به کار گرفته است. نحوه استفاده شیخ طوسی از این روایات در تفسیر التبیان سبب شده است که مفسران شیعه دنباله‌روی وی مانند طبرسی، بعدها اغلب این اخبار را در شمار روایات «اختلاف قرائت» منسوب به ائمه علیهم‌السلام و در کنار قرائات سایر قراء مشهور و شاذ ذکر کنند.

کلید واژه‌ها: تفسیر شیعه، شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، تحریف قرآن، اختلاف قرائات، قرائات ائمه.

اگر از مجموعه روایات پراکنده تفسیری - که به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی بن ابی طالب علیه‌السلام، ابن عباس و دیگران در متون و مراجع روایی امامیه آمده است - بگذریم، نخستین کوشش تفسیری شیعه را باید به تعالیم امام زین‌العابدین علیه‌السلام و بیشتر از آن، امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام نسبت داد. آموزه‌های قرآنی و تفسیری این امامان شیعه در قالب روایاتی خاص مکتب شیعه از طریق راویان و اصحاب ایشان نقل شده است. این شیوه تفسیری - که در زمان حیات امامان بعدی تا دوران غیبت صغری ادامه یافته است - عمدتاً بر نقل روایات تفسیری امامان متمرکز است و در آنها، به ندرت به آرای شخصی خود راویان پرداخته می‌شود. برخی از شاگردان مستقیم ائمه علیهم‌السلام روایات تفسیری ایشان را در اصل‌های خود آورده‌اند که بعدها مورد استفاده دیگر راویان و مدونان تفسیری قرار گرفته است.

مهم‌تر از این، باید به برخی از اصحاب ائمه اشاره کرد که تألیف مستقلی در زمینه قرآن، تفسیر یا حتی قرائات قرآن فراهم آورده‌اند.

آغاز ادبیات نوشتاری شیعه را تقریباً می‌توان به اواخر دوره اموی و در میانه قرن دوم هجری نسبت داد. در آن روزگار، ثبت مسموعات حدیثی در دفاتر از سوی راویان حدیث، از جمله راویان شیعی کمابیش آغاز شده بود. اندکی پس از آن نیز تدوین کتاب‌های فرم یافته‌تری درباره علوم قرآنی و فقه هم آغاز شد.^۱ قدیم‌ترین آثار قرآنی و تفسیری شیعه را می‌توان به دو دسته مجزا از نظر زمانی تقسیم کرد: نخست تفسیر شیعه در عصر ائمه (تا آغاز غیبت صغری) و دوم تفسیر شیعه در دوره تدوین (از آغاز غیبت صغرا تا پایان قرن چهارم). مجموعه این دو مرحله را در مقایسه با تحولات تفسیرنگاری شیعه در قرن پنجم در بغداد، می‌توان «تفسیر پیش - طوسی» نامید.

تفسیر شیعه در عصر ائمه ناقلان و حاملان مختلفی داشته است. گاه در میان ایشان برخی از چهره‌های بسیار معروف شیعی را می‌یابیم که تراجم‌نگاران شیعه آنها را در تمام یا بخشی از زندگی‌شان، متعلق به جریان معروف به امامیه نمی‌دانند؛ مثلاً زیاد بن منذر، معروف به ابوالجارود زیدی، ابوالحسن علی بن ابی حمزة البطائی و ابومحمد حسن بن علی بن ابی حمزة البطائی هر دو واقفی، و احمد بن محمد سیاری بصری و محمد بن عیسی بن عبیدالیقیننی از غلات دانسته شده‌اند.^۲ در مقابل، برخی چون جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ق)، ابان بن تغلب (م ۱۴۱ق) و ثابت بن دینار، معروف به ابوحمزة الثمالی (م ۱۴۸ تا ۱۵۰ق)، از جمله ناقلان تفسیری‌اند که همواره در میان رجالیان شیعه از مدح و تمجید برخوردار شده‌اند.

محتوای تفاسیر شیعه را، چه در عصر ائمه و چه در دوره تدوین، می‌توان به سه بخش مجزا تقسیم کرد: الف. روایات اختلاف قرائات و مصاحف، ب. روایات قرآن‌شناخت یا به اصطلاح، روایات علوم قرآنی، ج. روایاتی که به تفسیر آیات می‌پردازند و ما آنها را در این‌جا روایات تفسیری می‌نامیم. در دسته نخست، کم‌ترین تعداد روایات تفسیری شیعه جای می‌گیرند و دسته سوم بیشترین حجم روایات را در خود جای داده است. در این نوشتار، تنها به بررسی دسته نخست نیز تلاش شیخ طوسی در برخورد با این روایات خواهیم پرداخت.

۱. میراث مکتوب شیعه ...، ص ۱۱.

۲. این گونه انحراف‌های مذهبی در بسیاری موارد، سبب کنار گذاشتن روایات فقهی یا تفسیری چنین کسانی نشده است؛ به عنوان مثال، شیخ طوسی (التهرست، ص ۵۴) درباره اسحاق بن عمار ساباطی می‌گوید «وی صاحب یک اصل و نیز فطمی [قائل به امامت عبدالله بن جعفر بن محمد] است؛ با این همه، موثق است و اصل او از کتاب‌های مورد اعتماد ماست». نیز برای نقل روایات تفسیری علی بن ابی حمزة البطائی در تفاسیر و منابع حدیثی شیعه، ر. ک: میراث مکتوب شیعه ...، ص ۲۳۴-۲۳۶. نمونه دیگر ابوالجارود است؛ با آن‌که «وی از اصحاب امام باقر بود، اما با قیام زید بن علی به وی گرایید و زیدی شد» (رجال النجاشی، ص ۱۷۰). طوسی در تفسیر خود، ایشان، تنها و تنها روایات وی را از میان روایات شیعه با ذکر نام راوی نقل می‌کند. برخی چون آقابزرگ تهرانی (الدرر، ج ۴، ص ۲۵۱) معتقدند وی این تفسیر را در زمان استقامتش تدوین کرده است.

۱. قرائات در متون روایی شیعه

با آن که سه تن از معروف‌ترین قاریان هفت‌گانه را شیعه دانسته‌اند،^۳ تا پیش از شیخ طوسی نقل قرائات مشهور کم‌اهمیت‌ترین بخش در روایات تفسیری شیعه به شمار آمده است. متون و مراجع شیعه و سنی به بسیاری از امامان شیعه در برخی آیات قرآن، قرائتی خاص، و حتی گاه به برخی از ایشان چون امام صادق^ع مصحفی خاص هم نسبت داده‌اند.^۴ برخی از این قرائات را اصحاب ائمه نقل نکرده‌اند، بلکه ناقل آنها عمدتاً نویسندگان کتب تفسیر و قرائات چون طبری، زمخشری، ابن خالویه، ابو عمرو دانی، و ابن جَزَری بوده‌اند. مجموعه‌ای از این قرائات خاص ائمه^ع - که در مراجع و متون تفسیری شیعه و اهل سنت آمده است - به همت مجیب الرفیعی در قرائات اهل البيت القرآنیة گردآوری شده که به نظر بسیار ناقص می‌نماید.^۵ مایر بر - آشیر هم در مقاله‌ای مفصل اغلب روایات شیعی در متون حدیثی کهن امامیه تا عصر کلینی را گرد آورده است که به اختلاف در نحوه قرائت یا کتابت آیهای از قرآن بنابر رأی ائمه اشاره دارند؛^۶ گو این که بسیاری از این موارد را می‌توان شأن نزول آیه یا توضیحات تفسیری منقول از ائمه دانست.

هرچه از نخستین سده‌های پس از عصر غیبت به این سو می‌آییم، مفسران شیعه کمتر به نقل قرائات خاص اهل بیت^ع می‌پردازند و در عوض حجم منقولات قرائتی از قاریان مشهور یا حتی شاذ بیشتر و بیشتر می‌شود. در قدیم‌ترین متون مدوّن تفسیری شیعه - که همگی پیش از دوره شیخ طوسی فراهم آمده‌اند - اشارات فراوانی به نحوه قرائت خاص ائمه در برخی آیات قرآن می‌یابیم. برخی از این موارد به آیاتی مربوط می‌شوند که قرائت منقول، تفاوت معنایی بزرگی ایجاد می‌کنند؛ مثلاً «کنتم خیر ائمة» به جای «خیر امة»^۷ یا «بلغ ما أنزل الیک»^۸ [فی علی]،^۹ در التبیانه نخستین تفسیر کامل شیعه - که به دست شیخ طوسی در قرن پنجم فراهم آمده است - باز هم مواردی از نقل اختلافات قرائات را می‌یابیم؛ با این تفاوت که اولاً این نقل‌ها همراه با نقل قرائات متداول هفت‌گانه

۳. این سه تن عبارت‌اند از: ۱. عاصم بن بهدلة ابی النجود الکوفی، (معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۱۹۵)، ۲. حمزة بن حبیب المقرئ الکوفی از اصحاب امام صادق، (الرجال، ص ۱۹۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۷۹)، ۳. علی بن حمزة بن بهمن الکسانی. (همان، ج ۱۲، ص ۴۲۸) برای شرحی از احوال ایشان، ر. ک: التبیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۳۰ به بعد.

۴. تاریخ القرآن، ص ۷۹-۷۸. سخن ابو عبدالله زنجانی در این باره منقول از تفسیر شهرستانی است؛ اما ظاهراً انتساب مصحفی خاص به امام صادق^ع قطعی نباشد. در فصل سوم از مقدمه تفسیر شهرستانی تنها از روایت امام صادق^ع درباره ترتیب نزول سوره‌ها سخن رفته است، ر. ک: مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، ص ۱۲۸-۱۳۳.

۵. قرائات اهل البيت القرآنیة، مجیب الرفیعی، قم: دارالغدیر، ۱۴۲۴/ق/۲۰۰۳؛ نیز ر. ک: «قرائات ائمه».

۶. Meir M. Bar-Asher, "Variant readings and additions of the Imāmi-Šīa to the Quran", in *Israel Oriental Studies*, 13 (1993) pp. 39-74.

۷. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۸. سوره مائده، آیه ۶۷.

۹. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۹۵؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰-۱۱، ج ۲، ص ۲۰۱؛ برای نمونه‌هایی دیگر از این موارد، ر. ک: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷، ۴۲۲-۴۲۵.

یا ده‌گانه‌اند و ثانیاً هیچ‌یک از روایات اختلاف قرائات منسوب به اهل بیت، دال بر تحریف یا نقصان آیات نیستند.^{۱۰}

۲. قرائات در التبیان شیخ طوسی

توجه به نقل قرائات مختلف در التبیان بسیار چشمگیر و غیرقابل قیاس با تفاسیر روایی شیعه پیش از طوسی است. وی نه تنها از قاریان هفت‌گانه معروف نقل می‌کند، بلکه قرائت هفت قاری دیگر^{۱۱} را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.^{۱۲} افزون بر این، نقل قرائات شاذ یا قرائات منسوب به برخی از صحابه در تفسیر التبیان امری بسیار رایج است.^{۱۳} این از آن روست که شیخ طوسی در مقدمه تفسیر خود^{۱۴} قصدش را تألیف کتابی حاوی تمام علوم قرآن، و در صدر همه قرائت، می‌شمارد. از همین رو، در جای‌جای این تفسیر، گاه بخشی مجزا با عناوینی چون «القرءاء»، «القرءاء و الحجة»، یا «القرءاء واللغة» می‌گشاید و در آن به بحث از وجوه مختلف قرائات می‌پردازد. این روش به شکلی منقح‌تر بعدها در تفسیر مجمع البیان ادامه یافته است.

به نظر علامه عسکری^{۱۵} ورود تمامی اقوال مربوط به اختلاف قرائات از کتب اهل سنت به متون شیعی دو سبب داشته است: یکی تأثیر غلات با سوء نیت و دوم، کار برخی علما از روی حسن نیت. در قسمت اول، وی مهم‌ترین شیعه غالی و وارد کننده این روایات به متون شیعی را سیاری^{۱۶} می‌داند و در قسمت دوم، مهم‌ترین عالم (با حسن ظن) شیعی را شیخ طوسی می‌شمارد که در التبیان خود با امانت کامل، قرائات را از کتب اهل سنت (مدرسة الخلفاء) نقل می‌کند (همچنان که به برخی از مرویات آنها نیز اعتماد و نقل می‌کند). پس از او، طبرسی، ابوالفتوح رازی، ابوالمحاسن جرجانی (در

۱۰. برای نمونه‌هایی از نقل قرائات منسوب به ائمه در تفسیر التبیان، ر. ک: التبیان ج ۳، ص ۲۹۷. به گفته علامه عسکری (القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۲۵۱)، طبرسی حتی قرائاتی را از تفاسیر اهل سنت چون زمخشری و قرطبی ذکر می‌کند که در التبیان شیخ طوسی نیامده است. این نکته‌ای بسیار مهم و درخور توجه است؛ اما باید توجه داشت که طبرسی در زمان تألیف مجمع البیان اساساً تفسیر الکشاف زمخشری را ندیده بوده است (ر. ک: تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۸) و تفسیر قرطبی (م ۷۱۶ق) نیز سال‌ها پس از وفات طبرسی نگاشته شده است. بنابراین، نقل‌های طبرسی در مجمع البیان نمی‌توانسته از زمخشری یا قرطبی باشد. به عکس، در آنها مواردی می‌توان یافت که به روشنی بر اخذ از متون و مؤلفان شیعه دلالت دارند؛ مثلاً در مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۹، روایتی از ابن عبده (م ۳۳۲ق) از عریف / غریف بن الوضاح جعفی از امام باقر (ع) در ذیل آیه «فَقَتِلُوا آيَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَأُيْسَنُ لَهُمْ فَعْلُهُمْ يَتَنَبَّهُونَ» (سوره توبه، آیه ۱۲) آمده که می‌گوید امام (ع) آیه را ایمان خوانده است. برای نمونه‌های دیگر، ر. ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۱؛ ج ۷، ص ۲۸۳؛ ج ۸، ص ۹۲؛ ج ۱۰، ص ۲۶۴.

۱۱. این هفت تن عبارت‌اند از: ابوجعفر مدنی، یعقوب بن اسحاق حضرمی، خلف بن هشام بزار، حسن بصری، ابن محیسن مکی، سلیمان بن مهرا ن اعمش، و یحیی بن مبارک یزیدی.

۱۲. «التبیان فی تفسیر القرآن»، ص ۴۶۸-۴۶۹.

۱۳. منہج الشیخ ابی جعفر الطوسی ...، ص ۱۶۳-۱۶۵-۱۷۹-۱۸۷.

۱۴. التبیان، ج ۱، ص ۲.

۱۵. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۲۴۶ به بعد.

۱۶. درباره احمد بن محمد بن سیار (ابو عبدالله الکاتب البصری)، معروف به سیاری و اثر تفسیری وی به تکریمه پایانی همین مقاله مراجعه شود.

قرن نهم هجری) و محمد بن مرتضی کاشانی (م ۱۱۱۵ق) در تفسیر المعین همین شیوه طوسی را ادامه داده‌اند.

علامه عسکری^{۱۷} تفاوت ستاری با شیخ طوسی را در این می‌داند که طوسی با امانت کامل تمام این اختلاف قرائات را به اصحاب اصلی‌اش نسبت می‌دهد و هیچ چیز از خود نمی‌افزاید، اما ستاری همواره سندی از پیش خود می‌سازد و همان مطالب را به ائمه اهل‌البیت^{علیهم‌السلام} نسبت می‌دهد؛ گاه نیز از پیش خود چیزی می‌سازد و به ائمه نسبت می‌دهد. علامه عسکری سپس با بررسی روایات اختلاف قرائت نقل شده در الثبیان در ذیل آیه «صِرْطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»^{۱۸}، نتیجه می‌گیرد که چون طوسی همه‌جا مصادر اختلاف قرائات را از اهل سنت ذکر می‌کند و تنها در یک‌جا با صیغه مجهول می‌گوید: «و روی ذلك عن أهل البيت»، لذا مراد وی در این‌جا ستاری است که هم لحن شیخ طوسی در این عبارت بر ضعف او دلالت دارد و هم خود وی در کتب رجالی‌اش او را تضعیف کرده است.

این استدلال درست نمی‌نماید. سخن علامه عسکری در صورتی صحیح است که در هیچ جای الثبیان سخن صریحی دالّ بر نقل اختلاف قرائات ائمه نیامده باشد. به عکس، طوسی گرچه روایات شیعه دالّ بر تحریف و نقصان قرآن کریم را تضعیف می‌کند و هیچ‌گاه این دسته روایات را در تفسیر خود نمی‌آورد، اما منقولات مرتبط با اختلاف قرائات ائمه را از قبیل تحریف نمی‌شمارد. وی در مواضع فراوانی از تفسیر خود، هنگام بحث درباره نحوه قرائت آیه، می‌گوید: «و فی قراءة اهل البيت كذا». نمونه‌های بیشتری از این قبیل را می‌توان در الثبیان، ج ۲، ص ۴۴۱، ج ۵، ص ۷۲، ۲۶۰، ۳۱۶، ج ۶، ص ۲۲۸، ۲۶۲؛ ج ۷، ص ۴۶۱، ۵۱۲؛ ج ۸، ص ۳۸۴؛ ج ۹، ص ۳۶۵؛ ج ۱۰، ص ۵۲ یافت. تقریباً در هیچ‌یک از این موارد، سخنی دالّ بر ضعف روایت یا تضعیف راوی به چشم نمی‌خورد.

نکته مهم در چگونگی نقل روایات اختلاف قرائات ائمه^{علیهم‌السلام} در تفسیر الثبیان است. مفسران پیش از شیخ طوسی، چون علی بن ابراهیم قمی و عیاشی، و محدثان اخباری پس از وی، تقریباً به اجماع چنین روایاتی را شاهی صریح بر تحریف قرآن و وقوع تغییر بر خلاف ما انزل الله دانسته‌اند. در مقابل، برخی مفسران شیعه پس از شیخ طوسی، چون طبرسی، ابوالفتوح رازی، و ابوالمحاسن جرجانی این‌گونه روایت را از قبیل اختلاف قرائات دانسته‌اند و اغلب در لابه‌لای مباحث مربوط به قرائات در تفاسیر خود گنجانده‌اند. اما ورود این دسته روایات به الثبیان شیخ طوسی تقریباً بی‌نظیر است. این روایات تقریباً همگی در میانه بحث‌های تفسیری الثبیان آمده‌اند؛ نه نکات ادبی یا قرائتی. به تعبیر دیگر، شیخ طوسی این دسته روایات ناظر به نحوه قرائت خاص ائمه^{علیهم‌السلام} را هیچ‌گاه در ضمن قرائات معروف قراء هفت‌گانه یا ده‌گانه ذکر نمی‌کند. چنین قرینه‌ای نشان می‌دهد که کارکرد این دسته روایات از نظر وی صرفاً تفسیری و به منظور شرح و بیان مدلول آیه بوده است. وی، به ندرت،

۱۷. همان‌جا.

۱۸. سوره فاتحه، آیه ۷.

تلاش می‌کند که امامان شیعه را در شمار و در کنار قراء معروف بنشانند.^{۱۹}

یک قرینه مهم این است که طوسی گاه همین عمل را با تعبیر «و فی تفسیر اهل البیت کذا» انجام می‌دهد، و مطلبی را یادآور می‌شود که می‌توانسته در شمار اختلاف قرائات قرار بگیرد، اما، به صراحت، آن را از قبیل تفسیر و بیان آیه می‌داند؛ مثلاً در ذیل آیه «لَهُ مُعَقِّبَتٌ مِّنْ بَنِي يَدْيِهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ»^{۲۰} پس از ذکر معانی و بیانات مختلف از مفسران و ادباء، می‌نویسد:

و فی تفسیر اهل البیت انّ معناه یحفظونه بأمر الله.^{۲۱}

قرائت «بأمرالله» به جای «من أمر الله» در متون روایی و تفسیری شیعه بسیار مشهور است. منشأ این سخن روایتی از امام صادق علیه السلام است که علی بن ابراهیم قمی^{۲۲} آن را چنین نقل می‌کند:

در محضر امام صادق علیه السلام این آیه خوانده شد، امام به قاری فرمود: «مگر شما عرب نیستید؟ چگونه معقبات من بین یدیه (پیشاپیش) می‌تواند باشد؟ معقبات همیشه از پشت سر (من خلفه) است». مرد گفت: «فدایت شوم، پس این آیه چگونه است؟» فرمود: «آیه چنین نازل شده است: له معقبات من خلفه و رقیب بین یدیه یحفظونه بأمر الله...».

عیاشی^{۲۳} روایت مذکور را از برید عجلی^{۲۴} به نقل از امام صادق علیه السلام، و ابن شهر آشوب^{۲۵} همان را به نقل از حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام، روایت می‌کنند.^{۲۶} دیگران چون طبرسی^{۲۷} روایت امام صادق علیه السلام را به طور کامل در بحث قرائات تفسیر خود گنجانده و از آن کارکرد صرفاً قرائتی منظور داشته‌اند.^{۲۸} طبرسی، به علاوه، می‌افزاید که قرائت «یحفظونه بأمر الله» از علی علیه السلام، ابن عباس،

۱۹. از سوی دیگر، مفاد ظاهری این روایات - که بر تحریف یا تغییر در قرآن دلالت می‌کنند - مورد قبول شیخ طوسی نبوده است. وی در آغاز تفسیر، (التبیان، ج ۱، ص ۳) به صراحت و به تبع شریف مرتضی می‌گوید که قرآن تحریف نشده و تمام اخبار عامه و خاصه درباره نقصان یا جابه‌جایی آیات قرآن از قبیل احاد است که نه موجب علم است و نه مبنای عمل.

۲۰. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲۱. التبیان، ج ۶، ص ۲۲۸.

۲۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲۳. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰۵.

۲۴. مقایسه کنید: تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۸۶ که روایت عیاشی را از شریک عجلی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

۲۵. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۸.

۲۶. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰ به روشنی این آیه را به شمار مواردی می‌شمارد که در مصحف بر خلاف ما آنزل الله ثبت شده‌اند، و محقق بحرانی (المحذائق الناضرة، ج ۱۹، ص ۱۴۴-۱۴۵) تصریح می‌کند که روایت مذکور به درستی (و علی أصح الأقوال) بر وقوع تحریف در قرآن دلالت دارد. ملامحسن فیض کاشانی (التفسیر المصافی، ج ۱، ص ۴۹-۵۰) نیز با نقل سخنان علی بن ابراهیم قمی بر وقوع تحریف و تغییر در مصحف با فشاری می‌کند. چنین دیدگاه‌هایی در قیاس با نحوه استفاده شیخ طوسی از همین روایت در تفسیر التبیان، نشان می‌دهد که وی صرفاً از این روایت استفاده تفسیری کرده است تا معنای عبارت «یحفظونه من امر الله» را روشن تر می‌کند. طوسی نه تحریف را می‌پذیرد و نه حتی این روایت از قبیل اختلاف قرائات قلمداد می‌کند.

۲۷. مجمع التبیان، ج ۶، ص ۱۵.

۲۸. از میان مفسران اهل سنت، طبری (تفسیر الطبری، ج ۱۳، ص ۱۵۵) بدون اشاره به نام هیچ قاری، تنها می‌گوید کسی یا کسانی «یحفظونه بأمر الله» هم خوانده‌اند. دیگر مفسران شرق عالم اسلام، تقریباً همین سخن را تکرار کرده‌اند. (ر. ک: تفسیر القرآن العظيم، ج ۲، ص ۵۲۲؛ الدرد المکتوب، ج ۴، ص ۴۷) در مغرب اسلامی، ابن عطیة (المحرر الوجیز، ج ۳، ص ۳۰۱) قسمت نخست

عکرمه و زید بن علی نیز نقل شده است.^{۲۹}

اکنون باید بپرسیم آیا شیخ طوسی هیچ‌گاه از منقولات قرائتی منسوب به ائمه ذکری به میان می‌آورد که در آن، به تفسیر اهل بیت نظر نداشته باشد و تنها بر بیان صرف قرائت تأکید بورزد؟ پاسخ این پرسش مثبت است؛ اما روش طوسی در این موارد، متفاوت از هنگامی است که ضمن تفسیر آیه می‌گوید: «و فی قراءه اهل البیت کذا». چنانچه وی درصدد بیان قرائت صرف باشد، اقوال منسوب به امامان شیعه را با تعبیری چون: «و قرء فلان کذا» یا «و به قرء فلان» در کنار دیگر قرائات می‌آورد. یک نمونه آن ذکر اختلاف قرائات در ذیل آیه «أَفَلَمْ يَأْتِشِ الَّذِينَ آمَنُوا...»^{۳۰} است که وی می‌نویسد: وَ رُوِيَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَرَأَ «أَفَلَمْ يَتَّبِعِ الَّذِينَ آمَنُوا» مِنَ التَّبِيبِينَ، وَ رَوَى مِثْلَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَوَاهُ الطَّبْرِيُّ.^{۳۱}

این در حالی است که کمی قبل، شیخ طوسی در بیان معنا و تفسیر آیه می‌گوید:

به نظر ابن عباس و برخی دیگر معنای أفلم یأیش همان أفلم یعلم است.

این نشان می‌دهد در این‌جا صرفاً به نقل قرائت نظر داشته و درصدد بیان تفسیر آیه به نظر ائمه نبوده است؛ چه در آن صورت می‌توانست همان‌جا که دیدگاه تفسیری ابن عباس را آورده، روایت منسوب به ائمه را نیز به عنوان مؤید این معنا ذکر کند.^{۳۲}

از قرائن و شواهد فوق، مقایسه روش طوسی با دیگر محدثان و مفسران قبل و بعد او در برخورد با این روایات، و به‌ویژه به کارگیری تعبیری چون «و فی تفسیر اهل البیت کذا»، می‌توان استنباط کرد که شیخ طوسی در تفسیر اثبانیان خود راهی برای زدودن روایات تحریف از حوزه تفسیر امامیه گشوده

➤ روایت امام صادق را با کمی تغییر، قرائت ابی بن کعب می‌داند: «من بین یدیه و رقیب من خلفه هموا از ابو حاتم نقل می‌کند که ابن عباس آیه را چنین خوانده است: «له معقبات من خلفه و رقیب من بین یدیه یحفظونه بأمر الله». و در آخر می‌گوید قرائت «یحفظونه بأمر الله» منسوب به علی بن عباس، عکرمه و جعفر بن محمد است. ابویحان غرناطی (البحر المحیط، ج ۵، ص ۳۶۴) نام زید بن علی را نیز بر این چهار تن می‌افزاید و ابوزید ثعالبی (الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۶۳) نیز سخن ابن عطیه را خلاصه وار نقل می‌کند.

۲۹. تفسیر «من أمر الله» به «بأمر الله» در این آیه ظاهر آدر میان ادبا و لغویان قرن دوم هجری امری مقبول و رایج بوده است. ر. ک: کتاب العین، ج ۱، ص ۱۸۰ که می‌نویسد: «و قوله تعالى یحفظونه من أمر الله ... آی یحفظونه بأمر الله». این تعبیر را در تفاسیر ادبی قرون بعد نیز به وفور می‌توان یافت. از این‌جا می‌توان حدس زد چنانچه روایات قمی و عیاشی از صادقین در نحوه نزول آیه مجعول بوده باشند، جاعل در هنگام وضع به خوبی توانسته است از قول مشهور یا دست‌کم متداول و مسعوم در منطقه عراق استفاده کند.

۳۰. سوره رعد، آیه ۳۱.

۳۱. التبیان، ج ۶، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۳۲. سه نمونه دیگر چنین است: قرأ الأعشى و یحیی بن یعمر إلا الثمار أفحسب تسکین السین و ضم الباء و هی قراءه علی. الباقون یکسر السین و فتح الباء (التبیان، ج ۷، ص ۹۶)؛ و قرأ أبو جعفر المدني لَنَحْوَفَتْهُ بِفَتْحِ التَّوْنِ وَ سَكُونِ الْحَاءِ وَ ضَمِّ الرَّاءِ بِمَعْنَى لَنَبْرَدَتْهُ وَ رَوَى ذَلِكَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ (التبیان، ج ۷، ص ۲۰۵). قرأ نافع لَا تُسَالُّ بِفَتْحِ التَّاءِ وَ جِزْمِ اللَّامِ عَلَى التَّهْمِ وَ رَوَى ذَلِكَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (التبیان، ج ۱، ص ۴۳۶). نمونه‌های بیشتر در ج ۱، ص ۴۳ و ج ۳، ص ۲۹۷ آمده است. سیاق کلام در تمام این مثال‌ها مباحث ادبی و ذکر اختلاف قرائات است، نه تفسیر آیه.

است و در عین تصریح به عدم وقوع تحریف در قرآن در مقدمه کتاب^{۳۳} گاه از برخی از این روایات شیعی، استفاده تفسیری کرده است.

۳. کارکرد تفسیری روایات اختلاف قرائت در التبیان

اکنون به تفصیل بیشتر در تفسیر التبیان بررسی می‌کنیم. شیخ طوسی در این موارد هنگام بحث از مدلول و تفسیر آیه، با ذکر روایتی از ائمه^{علیهم‌السلام} - که ظاهراً به تحریف آیه اشاره دارد یا قرائتی خاص ایشان را بیان می‌کند - می‌کوشد معنای آیه را بیان کند؛ نه آن‌که صرفاً قرائتی خاص ائمه ذکر کرده باشد.

۱. در تفسیر آیه: «إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»^{۳۴} می‌گوید:

وَفِي قِرَاءَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ: وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ.^{۳۵}

این عبارت وی در سیاق بحث از معنا و مدلول آیه قرار گرفته است. یکی از مباحث مفسران در این آیه آن است که مراد از آل ابراهیم و آل عمران کیست. شیخ طوسی نیز چنین به بحث وارد می‌شود: فَإِنَّ قِيلَ مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ؟ قِيلَ: قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَالحسن: هم المؤمنون على دينه فيكون بمعنى اختصهم بميزة كانت منهم على عالمي زمانهم. و قيل: آل عمران هم آل ابراهيم، كما قال: ذرية بعضها من بعض، فهم موسى و هارون ابنا عمران. و قال الحسن: آل عمران المسيح لأن أمه مريم بنت عمران - وفي قراءة أهل البيت «و آل محمد على العالمين» - . و قال أيضاً: إن آل ابراهيم هم آل محمد الذين هم أهلهم و قد بيّنا في ما مضى أن آل بمعنى الإهل. و الآية تدلّ على أن الذين اصطفاهم معصومون منزّهون لأنّه لا يختار و لا يصطفى إلا من كان كذلك و يكون ظاهره و باطنه واحداً فإذا يجب أن يحتصّ الاصطفاء بآل ابراهيم و آل عمران من كان مرضياً معصوماً سواء كان نبياً أو إماماً.[×]

چنان‌که می‌بینیم، شیخ طوسی در این توضیحات به هیچ روی، از روایت معروف در میان محدثان و مفسران شیعه نام نمی‌برد، بلکه تنها از مفاد آن در بیان مراد آیه استفاده می‌کند. در روایات شیعی، آمده است که امام^{علیه‌السلام} آیه را چنین خوانده‌اند:

إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ.

سپس فرمودند:

بخشی از آیه را دیگران از قرآن حذف کرده یا نامی را به جای دیگر قرار داده‌اند.

۳۳. التبیان، ج ۱، ص ۳.

۳۴. سوره آل عمران، آیه ۳۳.

۳۵. التبیان، ج ۲، ص ۴۴۱.

۴. التبیان، همانجا.

این روایت را مفسرانی چون فرات کوفی،^{۳۶} عیاشی^{۳۷} و علی بن ابراهیم قمی^{۳۸} از طرق مختلف نقل می‌کنند.^{۳۹} فرات آن را از حمران بن أعین از امام باقر^{علیه السلام}؛ علی بن ابراهیم به نقل از امام کاظم^{علیه السلام}؛ و عیاشی به نقل از هشام بن سالم از امام صادق^{علیه السلام} آورده‌اند. مهم‌تر آن‌که شیخ طوسی خود آن را از طریق دیگر^{۴۰} در الامالی^{۴۱} نقل می‌کند و در پایان روایت از قول امام صادق آمده است: هکذا نزلت.

۲. در آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرُّسُولِ»^{۴۲}، شیخ طوسی پس از ذکر روایتی از امام باقر و امام صادق^{علیه السلام} می‌گوید:

به فرموده این دو امام، انفال متعلق به خداوند، رسول او و جانشین وی است که هرگونه بخواند در آن تصرف کند. هیچ‌کس در انفال سهمی ندارد. از این دو امام^{علیه السلام} نقل است که غنایم بدر تنها خاص پیامبر^{صلی الله علیه و آله} بوده. برخی از آن حضرت درخواست کردند تا بدیشان بدهد. از همین رو، در قرائت اهل بیت آمده است: «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ». خداوند نیز در پاسخ این درخواست فرموده که انفال تنها مختص او و رسولش است.^{۴۳}

اشاره شیخ طوسی به قرائت اهل بیت، مبتنی بر روایاتی است که در تفاسیر پیش از وی ذکر شده است. این روایت در تفسیر نعمانی^{۴۴} چنین آمده است:

عن أحمد بن محمد بن عقدة عن جعفر بن أحمد بن يوسف عن إسماعيل بن مهران عن حسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه عن إسماعيل بن أبي جابر عن أبي عبد الله قال ... قال الله تعالى يسألونك الأنفال قُلِ الْإِنْفَالُ لله والرسول، فَحَرِّفُوهَا وَقَالُوا يسألونك عَنِ الْإِنْفَالِ.^{۴۵}

* بار دیگر تفاوت بیان شیخ طوسی با محدثان یا مفسرانی از شیعه - که این روایات را ظاهراً پذیرفته‌اند - مشهود است. از سوی دیگر، چون این قرائت (با حذف «عن») از برخی صحابه چون

۳۶. تفسیر الفرات الکوفی، ص ۷۸.

۳۷. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳۸. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳۹. این منقولات بعدها در مجموعه‌های روایی و تفاسیر متأثر شیعه فراوان ذکر شده است. ر.ک: بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۴، ج ۲۳، ص ۲۲۲ و ۲۲۵، ج ۸۹، ص ۵۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۲۸ و ۳۳۰.

۴۰. «فحام قال حدثني محمد بن عيسى بن هارون، قال حدثني ابو عبد الصمد عن أبيه عن جده - و هو ابراهيم بن عبد الصمد بن محمد بن ابراهيم - قال سمعت جعفر بن محمد^{علیه السلام} يقول كان يقرأ: «إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ نَازِمًا وَتَوَخَّاهُ وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِصْرَ نَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْغُلَّيْنِ». قال هكذا أنزلت» (الامالی، ص ۳۰۰). این روایت با همین اسناد در بشارة المصطفی، ص ۳۰۵ آمده است.

۴۱. ص ۳۰۰.

۴۲. سوره انفال، آیه ۱.

۴۳. التبیان، ج ۵، ص ۷۱-۷۲.

۴۴. ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۰۰.

۴۵. نیز ر.ک: بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۱۳ که روایتی با مضمون مشابه را از تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل می‌کند. به جز این، در کتاب القراءات سیاری (ر.ک: القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۴۰۴) سه روایت دیگر آمده که مضمون آنها تقریباً مشابه، اما روایان متفاوتی دارند.

سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن مسعود نیز نقل شده است،^{۴۶} طبرسی در بحث مستقل خود با عنوان «القرآنة»^{۴۷} تمامی این افراد را در کنار هم می‌نشانند و چنین می‌نویسد:

قرء ابن مسعود و سعد بن ابی وقاص و علی بن الحسین و أبو جعفر محمد بن علی الباقر و جعفر بن محمد الصادق و طلحة بن مصرف: یسألونك الأنفال.^{۴۸}

از این جا برمی‌آید که نحوه رفتار شیخ طوسی در برخورد با روایات تحریف، پس از وی و به دست طبرسی منجر به تثبیت این اقوال به عنوان قرائات اهل بیت شده است.

۳. در بیان آیه «يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَهْدُ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلَظَ عَلَيْهِمْ»^{۴۹}، شیخ طوسی می‌نویسد:

و فی قراءة أهل البيت جاهد الكفار بالمنافقين.^{۵۰}

این سخن، مضمون روایتی کهن است که تمامی تفاسیر متأخر روایی شیعه، آن را از مجمع البیان و گاه تفسیر القمی نقل کرده‌اند.^{۵۱} در این میان، تنها مجلسی است که آن را از مأخذی کهن‌تر نیز نقل می‌کند، وی می‌نویسد:

من در رساله‌ای قدیمی به سند جعفر بن محمد قولویه از سعد بن عبدالله الأشعری القمی ... از امام صادق علیه السلام دیده‌ام که مضمون آن در باب تحریف در آیات برخلاف ما انزل الله است. در شما روایاتی که وی از این رساله نقل می‌کند، یکی همین است که مردی این آیه را بر امام صادق علیه السلام خواند: «جَهْدُ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ». امام فرمود: آیا دیده یا شنیده‌اید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با منافقین جنگیده باشد. پیامبر با تألیف قلوب منافقان را گرد خود می‌داشت [إِنَّمَا كَانَ يَتَأَلَّفُهُمْ]. خداوند - عزوجل - در این جا فرموده است [وَ إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ]: جَاهِدِ الْكُفَّارَ بِالْمُنَافِقِينَ.^{۵۲}

این بیان نشان می‌دهد که اغلب عالمان شیعه روایت فوق را از قبیل تحریفات قرآن یا دست‌کم در شمار اختلاف قرائات می‌دانسته‌اند؛ اما شیخ طوسی در الثبیان، بی‌آن‌که روایت را رد کند یا از قبیل احاد بشمارد، از آن به گونه تفسیری استفاده می‌کند؛ یعنی کارکرد این روایت از نظر وی صرفاً

۴۶. زجاج (ر. ک: سعد السعدي، ص ۲۷۵) و نحاس (معاني القرآن، ج ۳، ص ۱۳۷) این قرائت را از آن سعد بن ابی وقاص دانسته‌اند و طبری (جامع البیان، ج ۹، ص ۲۳۲) و زمخشری (الکشاف، ج ۲، ص ۱۴۱) آن را به ابن مسعود نسبت داده‌اند.

۴۷. مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۲۳.

۴۸. به درستی معلوم نیست که مأخذ سخن طبرسی در انتساب این قرائت به امامان مختلف شیعه و نیز زید بن علی چه بوده است. عجیب این‌که ابن عطیة اندلسی (المحرر الوجیز، ج ۲، ص ۴۹۶) نیز این قرائت را عیناً به همین افراد و نیز به عکرمه، ضحاک و عطا نسبت می‌دهد (سخن وی بعدها در البحر المحیط، ج ۴، ص ۴۵۳ تکرار شده است). از آن‌جا که ابن عطیة و طبرسی به فاصله دو سال (۵۴۴ و ۵۴۸ق) یکی در شرق و دیگری در غرب عالم اسلامی از دنیا رفته‌اند، یافتن مأخذ مشترک ایشان در این مورد و دیگر جاها می‌تواند برخی تاریکی‌های تاریخ تفسیر را روشن کند.

۴۹. سوره تحریم، آیه ۹.

۵۰. الثبیان، ج ۱۰، ص ۵۲.

۵۱. برای نمونه، ر. ک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۰۱؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۸۹، ج ۱۰، ص ۶۳؛ جوامع الجامع، ج ۲، ص ۸۰؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۳۲؛ التفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۵۸ و ج ۵، ص ۱۹۷؛ التفسیر الأصفی، ج ۱، ص ۲۷۹ و ج ۲، ص ۱۳۲۵؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۴۱ و ۲۴۲ و ج ۵، ص ۳۷۵.

۵۲. بحار الأنوار، ص ۶۰ به بعد به‌ویژه ص ۶۶.

تفسیری و به منظور شرح و بیان مدلول آیه بوده است. این امر از مقایسه تعبیر وی در این جا با تفسیر القمی، مجمع البیان، التفسیر الصافی و التفسیر الأصفی و تفسیر نورالثقلین بیشتر روشن می شود.^{۵۳} عبارات شیخ طوسی^{۵۴} در تفسیر این آیه چنین است:

قيل: معناه جاهد الكفار بالقتال والحرب، والمنافقين بالقول الذي يردع عن القبيح لا بالحرب إلا أن فيه بذل المجهود، فلذلك سماه جهاداً و في قراءة أهل البيت جاهد الكفار بالمنافقين لأنه صلى الله عليه وآله كان يُجاهد الكُفَّار و في عسكره جماعة من المنافقين يقاتلون معه.^{۵۵}

۴. در ذیل آیه «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِقُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاعَتْ عَلَيْهِمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ...»^{۵۶}، در بحث از این که این سه تن چه خلاف یا تخلفی کرده اند، طوسی اقوال مختلفی ذکر می کند و در پایان می نویسد:

و في قراءة أهل البيت: خالفوا لأنهم لو خَلُقُوا لَمَا تَوَجَّعَ عَلَيْهِمُ الْعُتْبُ.^{۵۷}

این نیز روایتی معروف است که در میان تفاسیر کهن شیعی ظاهراً نخستین بار علی بن ابراهیم قمی آن را آورده است.^{۵۸} روایت مذکور به نقل از امام کاظم^{۵۹} (العالم) کمابیش در تفاسیر بعدی نیز انعکاس یافته است.^{۶۰} در این میان، نحوه استفاده شیخ طوسی از این روایت با شیوه نقل آن در مجمع البیان بسیار متفاوت است. شیخ طوسی، به صراحت، از این روایت در بیان مفاد و تفسیر آیه بهره می گیرد؛ نه آن را دال بر تحریف قرآن می داند و نه حتی مضمون روایت را از قبیل اختلاف قرائات می شمارد.^{۶۱} به عکس، طبرسی^{۶۲} در میانه مباحث مربوط به اختلاف قرائات می نویسد:

امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق^{۶۳} و ابو عبد الرحمن سلمی این آیه را خالفوا خوانده اند.^{۶۴}

۵۳. ر. ک: موارد مذکور در پانویست قبل های پیشین.

۵۴. الثبیان، همان جا.

۵۵. این دسته از مفسران در بیان خود غالباً بر الفاظ روایت (قرأ الامام هكذا، هكذا نزلت) تأکید می کنند، اما شیخ طوسی به معنای روایت اشاره می کند که توضیح و تفسیری بر آیه است.

۵۶. سوره توبه، آیه ۱۱۸.

۵۷. الثبیان، ج ۵، ص ۳۱۵-۳۱۶.

۵۸. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۵۹. الکافی، ج ۸، ص ۳۷۸ شکل دیگری از همین روایت علی بن ابراهیم قمی را آورده است که مضمونی ضد شنی و همراه با مذمت سه خلیفه نخستین دارد (نیز، ر. ک: بهار الأنوار، ج ۸۹، ص ۵۸). این روایت با اندکی تفاوت در تفسیر العیاضی (ج ۲، ص ۱۱۵) نیز آمده است. روایت مذکور در الکافی چنین است: «علی بن ابراهیم، عن صالح بن السندی، عن جعفر بن بشیر، عن فیض بن المختار قال قال: ابو عبد الله كيف تقرأ و علی الثلاثة الذین خلفوا؟ [ثم قال: لو كان خُلِفُوا فکانوا فی حال طاعة و لكنهم خالفوا عثمان و صاحبه. أما والله ما سمعوا صوت حافرٍ و لا قعقة حجرٍ إلا قالوا أتینا فسلط الله عليهم الخوف حتی أصبحوا (مقایسه کنید: الحدائق الناضرة، ج ۸، ص ۱۰۳).

۶۰. تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۸۵؛ تفسیر الإصفی، ج ۱، ص ۴۹۶؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۹۷.

۶۱. در چنین مواردی، تعبیر «و فی قراءة أهل البيت کذا» در الثبیان نباید ما را به اشتباه اندازد. وی، به عکس طبرسی، این تعبیر را در کنار اقوال قاریان مختلف نمی آورد، بلکه غالباً هنگام بیان مراد و تفسیر آیه از آن استفاده می کند.

۶۲. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۳۵.

۶۳. از میان مفسران اهل سنت، نحاس (م ۳۳۸ق) در معانی القرآن (ج ۳، ص ۲۶۵) می نویسد: «و روی عن جعفر بن محمد أنه قرأ

۵. در باب آیه «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ»^{۶۴}، شیخ طوسی می‌گوید:

والمعنى جاءت سكرة الحق بالموت و هي قراءة أهل البيت.^{۶۵}

این نحوه بیان نشان می‌دهد که شیخ طوسی از روایتی معروف - که دیگر مفسران شیعه آن را نشانه تغییر و تحریف^{۶۶} یا اختلاف قرائت منسوب به ائمه^{۶۷} دانسته‌اند - کارکردی دیگر ساخته است. وی به روشنی تصریح می‌کند که معنای آیه این‌گونه است و گویی در آیه، قلب روی داده است. به نظر وی، این امر هم در زبان عربی و هم در خود قرآن نمونه‌های دیگر دارد؛ چنان‌که در آیه «لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ»^{۶۸}، برخی گفته‌اند معنای آیه «لكل كتاب أجل» است.^{۶۹}

۶. در تفسیر آیه «فَلَمَّا قُضِيَنا عَلَيْهِ الْمَوْتُ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ»^{۷۰}، شیخ طوسی پس از ذکر اقوال مختلف در باب معنای آیه، می‌نویسد:

و في قراءة أهل البيت فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَ الْجِنُّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. [یعنی پس از فروافتادن سلیمان، مردم دریافتند که چنانچه جنیان علم غیب داشتند، در چنان عذاب خوارکننده‌ای نمی‌ماندند.] قالوا لَأَنَّ الْجِنَّ كَانَتْ تَعْلَمُ أَنَّهَا لَا تَعْلَمُ الْغَيْبَ قَبْلَ ذَلِكَ وَإِنَّمَا تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ ذَلِكَ مِنْ حَالِ الْجِنِّ.^{۷۱}

این تفسیر شیخ طوسی برگرفته از روایاتی شیعی است که در اغلب آنها از قول امام^{۷۲} آمده است که جنیان خود از پیش می‌دانستند که علم غیب نمی‌دانند. لذا پس از این واقعه چیزی بر آنان روشن نشد. این غیرجنیان، یعنی انسیان بودند که نادانی جنیان برایشان معلوم شد. نمونه‌ای از روایات شیعی در منابع روایی و تفسیری که شیخ صدوق نیز آورده، چنین است:

احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی قال: حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن علي بن

«خالفوا». این سخن عیناً در الجامع لأحكام القرآن (ج ۸، ص ۲۸۲) نقل شده است که نشان می‌دهد وی اساساً به مجمع البیان نظر نداشته است؛ اما از همه جالب‌تر سخن ابن جوزی در زاد المسیر (ج ۳، ص ۳۴۸) است که همین قرائت را به چهار فرد غیر معروف در زمینه قرائات نسبت می‌دهد: ابوزرین، ابوجلز، الشعبی، ابن‌عمر.

۶۴. سوره ق، آیه ۱۹.

۶۵. البیان، ج ۶، ص ۲۶۲؛ قس همان، ج ۹، ص ۳۶۵ که در آنجا، ابن قرائت را به ابن‌مسعود نیز نسبت می‌دهد. ابن حجر عسقلانی (فتح الباری، ج ۹، ص ۲۴) هم این قرائت را به ابوبکر، طلحه بن مصرف و امام زین‌العابدین^{۷۳} نسبت می‌دهد.

۶۶. علی بن ابراهیم قمی (تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۲۴) می‌گوید: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ» قال نزلت جاءت سكرة الحق بالموت.

۶۷. طبرسی (مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۳۷) می‌نویسد: «القراءة. في الشواذ قراءة أبي بكر عند خروج نفسه: وجاءت سكرة الحق بالموت. و هي قراءة سعيد بن جبیر و طلحة و رواها أصحابنا عن أئمة الهدى^{۷۴}». روشن است که طبرسی این مطلب را نه در بیان معنای آیه، بلکه در ضمن بحث جداگانه «القراءة» آورده است. فیض کاشانی (التفسیر الصالحی، ج ۵، ص ۶۱) و حویزی (تفسیر نورالتلکین، ج ۵، ص ۱۱۱) نظر علی بن ابراهیم قمی و نقل طبرسی را در کنار هم ذکر می‌کنند.

۶۸. سوره رعد، آیه ۳۸.

۶۹. البیان، ج ۶، ص ۲۶۲.

۷۰. سوره سبأ، آیه ۱۴.

۷۱. البیان، ج ۸، ص ۳۸۴.

معبود، عن حسین بن خالد، عن أبي الحسن علی بن موسی الرضا، عن أبيه موسی بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد علیه السلام ... ثم قال والله ما نزلت هذه الآية هكذا، وإنما نزلت فلما خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ الْجِنَّ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. ^{۷۲}

مجلسی ^{۷۳} نیز به نقل از تفسیر نعمانی از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که این آیه از محرفات قرآن است و اصل آن چنین بوده است: فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَتِ الْجِنَّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. ^{۷۴} وی از تفسیر علی بن ابراهیم قمی، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن ابان بن عثمان، عن ابی بصیر عن ابی جعفر ... روایتی نقل می‌کند ^{۷۵} که سند آن در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ^{۷۶} ابن ابی عمیر از هشام از امام صادق علیه السلام آمده است. همو ^{۷۷} می‌نویسد:

من در رساله‌ای قدیمی به سند جعفر بن محمد قولویه از سعد بن عبدالله الأشعری القمی ... از امام صادق علیه السلام دیده‌ام که مضمون آن در باب تحریف در آیات برخلاف ما انزل الله است. در شمار روایاتی که وی از این رساله نقل می‌کند، یکی همین است که مردی این آیه را بر امام صادق علیه السلام خواند. امام فرمود: جَنَانٌ که خود می‌دانستند علم غیب نمی‌دانند. راوی پرسید: پس این آیه چگونه است؟ امام فرمود: آیه را خداوند چنین نازل کرده است: فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَتِ الْجِنَّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ.

قرائت فوق و انتساب آن به صحابه در برخی منابع کهن اهل سنت نیز آمده است؛ قدیم‌ترین نمونه از آن عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ق) است که می‌نویسد:

مَعْمَرٌ عَنْ أَيُّوبَ عَنْ عِكْرَمَةَ قَالَ ... ثُمَّ قَالَ: وَ فِي بَعْضِ الْحُرُوفِ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَتِ الْجِنَّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. ^{۷۸}

مراد از «حروف» در اصطلاح علوم قرآنی همان وجوه مختلف قرائت است. نحاس (م ۳۳۸ق) هم این قرائت را به نقل از قتاده به مصحف عبدالله بن مسعود چنین نسبت می‌دهد:

تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَتِ الْجِنَّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. ^{۷۹}

بعدها حاکم نیشابوری ^{۸۰} به نقل از عطاء بن السائب از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت می‌کند که وی آیه را چنین می‌خوانده است:

تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ الْجِنَّ لَا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ.

۷۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۷۳-۷۴، عون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۷۳. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۶۹-۷۰.

۷۴. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۷۹.

۷۵. عیناً در تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۲۶.

۷۶. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۸-۲۰۰.

۷۷. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۶۰-۶۱.

۷۸. تفسیر الصنعانی، ج ۳، ص ۱۲۸.

۷۹. معانی القرآن، ج ۵، ص ۴۰۵.

۸۰. المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۹۷-۱۹۸.

و دست آخر، ابن ندیم^{۸۱} این قرائت را به ابن شنبوذ (م ۳۲۸ق) نسبت می‌دهد.^{۸۲} بار دیگر، این نمونه و نحوه نقل قرائت منسوب به ائمه^{علیهم‌السلام} در الثبیان نشان می‌دهد که شیخ طوسی نه مانند مفسران و محدثان اخباری این رایات را نشانه تحریف قرآن دانسته و نه به کلی از ذکر این روایات خودداری ورزیده است. عمل او در استفاده تفسیری از مضمون برخی از این روایات مهم‌ترین ویژگی تفسیری الثبیان در بیان روایات تحریف یا اختلاف قرائات منسوب به ائمه^{علیهم‌السلام} است. با توجه به نظریه شیخ طوسی مبنی بر عدم تحریف قرآن - که در ابتدای تفسیر خود^{۸۳} و به تاسی از شریف مرتضی آن را مطرح می‌کند - باید نتیجه گرفت که از نظر شیخ طوسی نقل اختلاف قرائات، چه از جانب قاریان معروف هفت‌گانه و ده‌گانه و چه منسوب به ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} نمی‌توانسته دالّ بر تحریف قرآن باشد. یک سده بعد، امین الاسلام طبرسی تمام این روایات را در بخش اختلاف قرائات تفسیر خود مجمع البیان لعلوم القرآن گنجانده است.

تکمله: درباره سیاری و کتاب القراءات وی

کتاب القراءات از احمد بن محمد بن سیتار (ابوعبدالله الکاتب البصری)، معروف به سیاری است.^{۸۴} طوسی این اثر وی را کتاب القراءه^{۸۵} می‌نامد. تقریباً تمام رجالیان شیعه در تضعیف وی - که از اصحاب امام هادی^{علیه‌السلام} و امام حسن عسکری^{علیه‌السلام} به شمار می‌آید^{۸۶} - متفق‌القول‌اند. از تاریخ ولادت و وفات او به درستی اطلاعی در دست نیست. تنها ابن حجر^{۸۷} وفات وی را در اواخر قرن سوم هجری دانسته است. این تاریخ کمی نادرست می‌نماید؛ زیرا اولاً محمد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ق) در بصائر الدرجات و احمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ق) در المحاسن با واسطه و گاه بدون واسطه از او نقل می‌کنند. ثانیاً بنابه نقل طوسی^{۸۸} وقتی در نامه‌ای از امام جواد^{علیه‌السلام} (۱۹۵ - ۲۲۰) درباره سیاری پرسیده می‌شود، ایشان می‌فرمایند:

او در جایگاهی که برای خود ادعا می‌کند قرار ندارد؛ به او چیزی نپردازید.

این نقل چنانچه صحیح باشد،^{۸۹} نشان می‌دهد که سیاری در زمان وفات امام جواد^{علیه‌السلام} به سال

۸۱. الفهرست، ص ۳۴.

۸۲. مقایسه کنید: الکافی و الأنقاب، ج ۱، ص ۳۳۲ که با نقل این قرائت از ابن شنبوذ، به عکس دیگران وی را بسیار مدح می‌کند.

۸۳. الثبیان، ج ۱، ص ۳.

۸۴. رجال النجاشی، ص ۸۰.

۸۵. الفهرست، ص ۶۶.

۸۶. ابن ادریس حلی در السرائر (ج ۳، ص ۵۶۸) وی را، به اشتباه، از اصحاب امام موسی کاظم و امام رضا^{علیه‌السلام} به شمار می‌آورد. این اشتباه بعدها در جواهر الکلام (ج ۱۳، ص ۲۷۶) هم تکرار شده است.

۸۷. لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۵۲.

۸۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۶۵.

۸۹. علت تردید در صحت انتساب این نامه به امام جواد^{علیه‌السلام} آن است که هیچ‌یک از رجالیان امامی از هم‌عصری وی با امام جواد^{علیه‌السلام} سخن نگفته، اما غالباً بر مصاحبت او با امام هادی^{علیه‌السلام} و امام عسکری^{علیه‌السلام} تصریح کرده‌اند.

۲۲۰ هجری باید در سنی بالا (دست‌کم سی ساله) باشد تا بتواند با ادعای مرتبه‌ای قابل قبول در دانش، مرجع دریافت وجوهات از مردم باشد.

طوسی^{۹۰} و نجاشی^{۹۱} به‌جز این، اثر دیگری با عنوان ثواب القرآن را نیز به وی نسبت می‌دهند. کتاب القراءات را گاه برخی با نام التنزیل و التحریف هم خوانده‌اند؛ از جمله حسن بن السلیمان حلی در مختصر بصائر الدرجات (ص ۲۰۴).^{۹۲} کتاب القراءات بنابه نقل حاجی نوری^{۹۳} و آقابزرگ تهرانی،^{۹۴} در دست بسیاری از عالمان شیعه بوده و برخی از ایشان به رغم تضعیف وی، از او بسیار نقل کرده و گاه بر آنها اعتماد کامل داشته‌اند؛ از جمله کلینی در الکافی، ابن‌ادریس در مستطرفات السرائر^{۹۵} و محمّد بن عباس بن ماهیار در تفسیرش (با عنوان منازل من القرآن فی اهل البیت).

چنان‌که در بالا گذشت، محمّد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ ق) در بصائر الدرجات و احمد بن محمّد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ق) در المحاسن نیز از او فراوان نقل کرده‌اند. حاجی نوری^{۹۶} آقابزرگ^{۹۷} از دیگر محدثان و اصحاب ائمه چون حمیری [عبدالله بن جعفر م. بعد از ۲۹۷] و ابوعلی اشعری [احمد بن ادريس قمی م. ۳۰۶]، موسی بن الحسن اشعری و حسین بن محمّد بن عامر نیز نام می‌برند.

در میان متأخران، به‌جز حاجی نوری در مستدرک الوسائل، در حاشیه‌المدارک نیز منقولات فراوانی از آن آمده است. در سال‌های اخیر، محمّدعلی امیرمعزی و ایتان گلیبرگ کوشیده‌اند این کتاب را براساس چند نسخه خطی تصحیح، و در انتشارات بریل (لایدن) منتشر کنند؛ اما به نظر می‌رسد کتاب هنوز آماده انتشار نیست.^{۹۸}

محتوای منقولاتی که از کتاب القراءات سیاری، در لابه‌لای آثار دیگر عالمان شیعه به دست ما

۹۰. الفهرست، ص ۶۶.

۹۱. رجال النجاشی، ص ۸۰.

۹۲. نیز، ر.ک: الذریعة، ج ۱۷، ص ۵۱.

۹۳. خاتمة، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۴.

۹۴. الذریعة، ج ۱۷، ص ۵۱.

۹۵. ذکر این نکته لازم است که هیچ‌یک از نقل‌های کلینی در کتاب الکافی و ابن‌ادریس در کتاب السرائر از روایات سیاری، به حوزه تفسیر و قرائات قرآن مربوط نیست.

۹۶. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۱۴.

۹۷. الذریعة، ج ۱۷، ص ۵۱.

۹۸. مقاله‌ای که در پایان سال ۲۰۰۵م، در مجله آسیایی (Journal asiatique) چاپ شده، در واقع مقدمه‌ای است که این دو مصحح به زبان فرانسوی بر متن کتاب نگاشته‌اند. بخش اعظم این مقدمه شصت صفحه‌ای را گزارشی از پژوهش‌های غربیان درباره تاریخ تدوین قرآن، اختلاف روایات اسلامی در ارائه گزارشی دقیق درباره این موضوع، دیدگاه شیعیان نخست در عصر ائمه درباره قرآن و جامعیت آن، و روایات تحریف قرآن در متون روایی کهن شیعه به خود اختصاص داده است. در بخش چهارم مقاله، امیرمعزی و گلیبرگ، به تفصیل، به معرفی سیاری و حیات وی می‌پردازند و در بخش پنجم، ساختار و محتوای کتاب القراءات سیاری را تجزیه و تحلیل می‌کنند. مشخصات کتاب‌شناختی مقاله مذکور چنین است:

Mohammad Ali Amir-Moezzi & Etan Kohlberg, "Révélation et falsification: introduction à l' édition du *Kitāb al- Qirā'at* al- d' al-Sayyārī", *Journal Asiatique* 293 ii (2005), pp. 663-722.

رسیده است، نشان می‌دهد این اثر را نباید در موضوع قرائات قرآن به معنای اصطلاحی آن دانست. اغلب این روایات، توضیحاتی تفسیری در باب آیات قرآن و مسائل مرتبط با جایگاه ائمه علیهم‌السلام است. البته گاه در لابه‌لای این روایات، مواردی یافت می‌شود که در آن نحوه خاصی از قرائت آیه به جای شیوه رایج آن توصیه شده است.^{۹۹} بنابراین، مناسب‌تر می‌نماید این کتاب را بیشتر اثری تفسیری بدانیم که برخی از روایات آن را مفسران پس از وی در شمار اختلاف قرائات قرار داده‌اند.^{۱۰۰}

کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
- الأمالي، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، علامه محمدباقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- بشارة المصطفى، عمادالدین بن ابی‌القاسم طبری، تحقیق: جواد قیومی الاصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.
- البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خویی، بیروت: دارالزهراء، ۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م.
- تاریخ القرآن، ابوعبدالله زنجانی، مقدمه: احمد امین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۹م.
- التبیان فی تفسیر القرآن، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- التفسیر الأصفی، ملامحسن فیض کاشانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ق / ۱۳۷۶ش.
- تفسیر البحر المحیط، ابوحیان غرناطی (ابوعبدالله محمد بن یوسف علی بن یوسف)، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م.
- تفسیر الشهرستانی (مفاتیح الأسرار و مصابیح الأثرار) تاج‌الدین محمد بن عبدالکریم شهرستانی، تصحیح: محمدعلی آذرشب، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م.
- التفسیر الصافی، ملامحسن فیض کاشانی، تحقیق: حسین الاعلمی، تهران: مکتبة الصدر، بی‌تا، قم: مؤسسة الهادی، ۱۴۱۶ق.
- تفسیر الصنعانی، عبدالرزاق بن همام صنعانی، تحقیق: مصطفی محمد مسلم، ریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۱۰ق.

۹۹. علامه سید مرتضی عسکری در جلد سوم کتاب القرآن الکریم و روایات المدوستان یا نقل عمده این روایات بر اساس نقل‌های نوری طبرسی در فصل الخطاب، به بررسی سندی و متنی آنها پرداخته و تمامی این روایات را مردود شمرده است.
 ۱۰۰. سید محمدباقر حجتی (کشاف الفهارس و وصف المخطوطات العربیة فی مکبات فارس، ص ۲۷۵-۲۷۸) از وجود پنج نسخه خطی این اثر در کتابخانه‌های داخل ایران خبر می‌دهد و ویژگی‌های هریک را برمی‌شمارد.

- تفسیر العیاشی، ابونضر محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسول محلاتی، تهران: المكتبة العلمية الاسلامية، بی تا.
- تفسیر الفرات الکوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم فرات کوفی، تحقیق: محمد الکاظم، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر (عمادالدین ابوالفداء اسماعیل قرشی)، مقدمه: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
- تفسیر الفقی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، نجف: ۱۳۸۷، قم: دارالکتاب للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ق.
- تفسیر نورالثقلین، عبدعلی بن جمعة عروسی حویزی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسة اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش.
- جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، چاپ صدقی جمیل العطار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
- الجامع لأحكام القرآن، ابوعبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی، تصحیح: احمد عبدالعظیم البردونی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م.
- جوامع الجامع، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف ثعالبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م.
- جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، تحقیق: شیخ عباس قوچانی، تهران: ۱۳۷۶ش.
- الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، شیخ یوسف بحرانی، تحقیق: محمدتقی ایروانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
- خاتمة مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶ق.
- الدرالمثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقابزرگ تهرانی، تحقیق: علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت: ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- زاد المسیر فی علم التفسیر، ابن جوزی (ابوالفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
- السرائر، ابن ادریس حلی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- سعد السعود، ابن طاووس (ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر)، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۶۹ق، ۱۹۵۰م.
- علل الشرائع، ابوجعفر محمد بن حسن بن حسین صدوق، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۶م.

- عيون اخبار الرضا شيخ صدوق، چاپ حسين الأعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م.
- فتح البارى شرح صحيح البخارى، ابن حجر عسقلانى (شهاب الدين ابوالفضل احمد بن على)، چاپ بولاق، ۱۳۰۰ق، افست بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
- فقه القرآن، قطب الدين راوندى، تحقيق: سيد احمد هاشمى، قم: مكتبة آية الله العظمى النجفى المرعشى، ۱۴۰۵ق.
- الفهرست، ابن النديم (ابوالفرج محمد بن ابى يعقوب)، تحقيق: رضا تجدد، تهران: ۱۳۵۰ش.
- الفهرست، ابوجعفر محمد بن حسن طوسى، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- فهرست اسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشى، ابوالعباس احمد بن على نجاشى، تحقيق: سيد موسى شبيرى زنجانى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۰۷ق.
- القرآن الكريم و معالم المدرستين، سيد مرتضى عسكرى، تهران: مجمع العلمى الاسلامى، ۱۴۱۶ - ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۶ - ۱۹۹۹م.
- قراءات أهل البيت القرآنية، مجيب الرفيعى، قم: دارالغدير، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۳م.
- الكافى، ثقة الاسلام ابوجعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق كلينى، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: دارالكتب الاسلامية، ۱۳۸۸ق.
- كتاب العين، عبدالرحمن خليل بن احمد فراھيدى، تحقيق: مهدي المخزومى و ابراهيم السامرائى، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
- كشف الفهارس و وصاف المخطوطات العربية فى مكاتب فارس، تهران: سروش، ۱۳۷۰ش.
- الكشف عن التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر زمخشري، قاهرة: مطبعة مصطفى البابى الحلبي، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۶م.
- الكنى و الالقاب، شيخ عباس قمى، مقدمه: محمد هادى امينى، تهران: مكتبة الصدر، بى تا.
- لسان الميزان، ابن حجر عسقلانى (شهاب الدين ابوالفضل احمد بن على)، بيروت: مؤسسة الأعلمى، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۰م.
- مجمع البيان فى تفسير القرآن، امين الاسلام فضل بن حسن طبرسى، تحقيق: گروهى از علما و محققان، با مقدمه سيد محسن امين عاملى، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
- المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، ابن عطية (ابومحمد بن عبدالحق بن غالب)، تحقيق: عبدالسلام عبدالشافى محمد، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۳م.
- مختصر بصائر الدرجات، حسن بن السليمان حلى، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۷۰ق / ۱۹۵۰م.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ميرزا حسين نوري طبرسى، قم: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۷ - ۱۹۸۸م.
- المستدرک على الصحيحين، ابو عبدالله حاكم نيشابورى، تحقيق: يوسف عبدالرحمن المرعشلى،

بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.

- معانی القرآن الکریم، ابوجعفر احمد بن محمد بن اسماعیل بن یونس مرادی نخّاس، تحقیق: محمد علی الصابونی، مکه: جامعة أم القرى، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.

- معجم رجال الحديث و تفصیل الرواة، سید ابوالقاسم خویی، بی‌جا، پنجم، ۱۴۱۳ق / ۱۹۷۵م.

- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب (ابوعبدالله محمد بن علی) نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶م.

- منهج الشيخ ابی جعفر الطوسی فی تفسیر القرآن الکریم، کاصد یاسر الزیدی، بغداد: بیت الحکمة، ۲۰۰۴م.

- میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، حسین مدرسی طباطبائی، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ش.

- «التبیان فی تفسیر القرآن»، مرتضی کریمی نیا، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، ج ۶، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۰.

- «قراآت ائمه»، سهیلا شینی میرزا، فصلنامه بینات، سال ۱۲، ش ۴، ش پایانی ۴۸، زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۱۱ - ۱۳۳.

- Meir M. Bar-Asher, "Variant readings and additions of the Imāmī-Šī'a to the Quran", in *Israel Oriental Studies*, 13 (1993) pp. 39-74.

- Mohammad Ali Amir-Moezzi & Etan Kohlberg, "Révélation et falsification: introduction à l' édition du *Kitāb al- Qirā'āt d' al-Sayyārī*", *Journal Asiatique* 293 ii (2005), pp. 663-722.